



وارداتی غرب شاید بتواند در برهه ای از تاریخ به دلیل مدرن بودن آن مورد توجه بخشی از طبقات اجتماعی قرار گیرد و حتی تأثیراتی بر جای گذارد ولی هیچگاه در جامعه ای که دارای ویژگی های بومی مختص خود می باشد، نفوذ نمی کند و از دوام و تکرار برخوردار نمی شود. امروز با نگاهی گذرا به صفحات نشریات این طیف، دیگر خبری از مفاهیم گفتمانی که در دوره قبل زیر عنوان اصلاح طلبی رایج شده بود، نمی یابیم. در عوض آنچه را که مردم به آن رأی دادند به سرعت در حال شکل گیری و نهادینه شدن است. گرچه در حوزه نظریه پردازی متأسفانه در مورد آن بی مهری شده است. ولی چون از عمق جامعه برخاسته لاجرم یک جامعه پذیری مناسب را در باره آن از سوی مردم و جامعه شاهد هستیم.

آقای دکتر! شما در این گفت و گو اشارات مفصلی به گفتمان دولت در حوزه سیاست خارجی و بعضاً داخلی داشتید، به عنوان آخرین پرسش، فکر می کنید گفتمان عدالت خواهی در حوزه مسائل اقتصادی چه مقدار موفق بوده و چه موانعی پیش روی دارد؟

در واقع باید گفت از مهمترین مسائل مورد بحث، همین موضوع است. ما شاهد یک تحرک و وسع اقتصادی و زیربنایی در کمتر از دو سال اخیر بودیم که اقدامات دولت نهم برای مبارزه با بی عدالتی های اقتصادی می باشد. اما سرعت عدالت خواهی در حوزه این مسائل به اندازه پیشروی های مسائل خارجی نبوده است. من به صراحت می گویم، این واقعیتی انکارناپذیر است که بخش زیادی از وقت و توان دولت در جهت اصلاح سیستم های گذشته و برداشتن رانت های دولتی در اقتصاد به کار رفته است. ما از یک سو شاهد فشارهای بین المللی بر این دولت هستیم؛ فشاری که می خواهد زندگی مردم ما را تحت الشعاع خود قرار دهد. از طرف دیگر دولت در دنیا یک سیاست صحیح است که تقریباً امیدهای زیادی را در بخش های پائین دست جامعه ایجاد کرده و آن هم سیاست تمرکززدایی است. دولت می خواهد تصمیم سازی، تصمیم گیری و توزیع امکانات را به سراسر ایران تسری دهد و این یکی از مؤلفه های عدالت اقتصادی است.

سفرهای استانی دولت در همین راستاست. اگر چه تحرکات و وسع عمرانی دولت و حرکت به سوی آبادانی یک تورم مقطعی را ایجاد نمود و این یک امر طبیعی است اما این بدون توطئه مخالفان هم نبوده ولی این دوره گذار به سرعت در حال طی شدن است. ما برای توسعه ساختارهای زیربنایی خودبه زمان نیاز داریم. دولت نهم درصداست با یک شتاب فزاینده این زمان را کمتر کند و فشار بر مردم را هم کاهش دهد. تقویت اقتصاد ملی و تمرکز بر یک اقتصاد غیر نفتی در جهت ارتقای استقلال ملی هم از جمله سیاست های این دولت است.

در گزارش اخیر صندوق بین المللی پول، کارشناسان از رشد قوی اقتصادی ایران و بهبود موفقیت خارجی این رشد، تمجید کردند و این را نشانه عملکرد قوی دولت در بخش غیر نفتی دانستند. مسأله دیگر، مبارزه با اشرافگری دولت بود که مردم را سخت آزار می داد. اکنون به لطف سلامت مدیران دولت و نظارت صحیح شخص رئیس جمهور، هزینه های اضافی دولت در این بخش حذف شده و ما یک صرفه جویی عادلانه را شاهد هستیم. صندوق بین المللی پول در همین گزارش اخیرش از طرح های دولت ایران برای مهار مخارج دولت استقبال کرد و مردم هم این را به خوبی لمس می کنند. لذا باید گفت دولت نهم با کار زیاد و برنامه ریزی شجاعانه و علی رغم فضای رسانه ای مسمومی که مخالفانش درست کرده اند، ان شاء الله موفق خواهد شد و همه جای ایران از مواهب ایران مقتدر، پیشرفته و ثروتمند بهره مند خواهند گردید.

در رابطه با دیپلماسی ایران در پرونده هسته ای این تفاوت را چگونه ارزیابی می کنید؟ تیم هدایت کننده دیپلماسی کشور در دوره قبل، به دنبال رضایت اتحادیه اروپا و سه کشور اروپایی بود. در واقع تعامل گسترده سیاسی و اعتماد و همکاری با این سه کشور مبنای عمل آن تیم بود.

جالب این است که طرف مقابل هم دائم ما را تهدید به ارجاع پرونده به سوی شورای امنیت می کرد و از آن شورا غولی ساخته بودند و بدین صورت از ما باج خواهی می کرد. برخی از مذاکره کنندگان در فضای رعب با اینها مذاکره می کردند و تمام هم و غم ایشان اجتناب از ارجاع پرونده به شورای امنیت بود. به دنبال این راهبرد بود که تعلیق را پذیرفتیم. اما در دوره جدید، دولت اعلام کرد حاضر به تعلیق فعالیت های صلح آمیز هسته ای خود نیست. چرا که هیچگونه تخلفی در این زمینه انجام نداده است. این ایستادگی از طرف دیگر مورد توجه جدی رهبری و مردم نیز بود.

در عین حال چنین رویکردی خود سبب ساز یک جنبش عمومی در راستای احقاق حقوق ایرانی شد که تصور می کنم در تاریخ معاصر ما جای مناسبی باز خواهد کرد. نمی خواهم از آن ارتقا بخشی های بی حاصل و صوری انجام دهم. ولی اگر از مسأله نهضت ملی شدن صنعت نفت مهمتر نباشد، کمتر نیست.

شما تعبیری برای دولت فعلی به کار بردید به نام «دولت شالوده شکن» و این تعبیر را هم بر مبنای پیگیری عدالت می دانید، در حوزه داخلی ما چه اقدام های شالوده شکنانه ای از دولت شاهد بوده ایم؟

در حوزه داخلی هم فکر می کنم اقدام های مؤثری صورت گرفته است. مقوله صورت بندی گفتمان، امری ساده نیست که در فرصت محدودی تحقق پذیرد. این موضوعی است که مستلزم صرف فرصت زیادی است ولی سرعت آن چنان بالا بود که در فاصله اندکی از صورت بندی های گفتمانی گذشته، مفصل زدایی شد و مفصل بندی جدیدی صورت گرفت. به صورتی که امروز شما از زمینه های گفتمانی دوره قبل، اصلاً خبری نمی بینید. هرچقدر هم تئورسین های گفتمانی گذشته تلاش می کنند، باز به نتیجه نمی رسند. دلیل این امر، بیس از هر چیز می تواند در بی ریشه بودن و کم مایه بودن مؤلفه گفتمانی روشنفکری چه لائیک و چه روشنفکری دینی باشد که به صورت ترحم ای وارد ادبیات سیاسی ما شد. این گفتمان ها هیچگاه نتوانستند رسوب گذاری کنند و نهادینه گردند. گرچه از همان ابتدا نتیجه کار اینها معلوم بود.

بر اساس تجاربی که از سنت روشنفکری و حتی روشنفکری دینی ما بر جای مانده است مفاهیم

آمریکا قائل باشنیم اما طرف مقابل به حقوق ما بی احترامی کند؟ چرا ایالات متحده و برخی دیگر از مخالفین ما باید از فناوری هسته ای برخوردار باشند و حتی بمب هسته ای در اختیار داشته باشند ولی ما از کاربرد صلح آمیز انرژی هسته ای در حوزه صنعت محروم باشیم؟

مگر این سوالات قبلاً مطرح نمی شد یا دولت های قبلی در مواجهه با غرب این پرسش ها را به میان نمی کشیدند؟

بحث نادیده انگاشتن حقوق بشر در غرب و بویژه ایالات متحده موضوعی نیست که فقط دولت جدید به آن پرداخته باشد و یا آن را کشف کرده باشد. این امری بدیهی است و همه عالم می دانند که مثلاً در زندان های ابو غریب و گوانتانامو چه می گذرد. از آن فراتر همه می دانند که برخلاف آنچه که غربی ها تبلیغ می کنند آنگونه نیست که دولت های غربی بر حیطه زندگی شخصی مردم خود نظارت و دخالت بی حد و بیجا نداشته باشند.

امروز حتی خانه های اتباع آمریکایی و یا انگلیسی از دید دوربین های مراکز دولتی و امنیتی دور نیست. این موضوعی است که حتی مورد نقد محافل دانشگاهی و روشنفکری غرب است. همانگونه که جنگ طلبی و آدم کشی آنها مورد انتقاد است.

موضوع این است که غرب توانسته است در طول سالیان متمادی، سایه ای از ترس و نگرانی را بر سر ملل ضعیف بیندازد و با دردست داشتن و بکارگیری سلاح های مرگبار هر نفسی را در سینه خشک نماید. در واقع با آنکه از رموز و پیچیدگی های استخباراتی آگاه اند، با این حال در یک بده و بستان دائمی، حاضر شده اند به باج خواهان امتیاز دهند. ولی اگر قوی دلی طاغوت ستیز، به طلسم شکنی بپردازد از او حمایت می کنند. این طلسم شکنی همان شالوده شکنی از مناسبات ظالمانه است که در قبل به آن اشاره کردم.

مردم ما در جریان حدود انقلاب اسلامی به رهبری امام فقیهد رضوان الله تعالی علیه حرکتی شالوده شکنانه انجام دادند.

امام ما، رهبر و معمار این انقلاب، همان قوی دل طاغوت ستیز بود و مردم ما نیز با حمایت از او پیاختند و تا به حال نیز با همان انگیزه دینی و الهی دستاوردهای انقلاب را حفظ کرده اند و آن را تعقیب می بخشند و فکرمی کنم هیچگاه این دغدغه دینی را کنار نخواهند گذاشت.

این راهبردی بود که از سوی رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای نیز تداوم یافت و مورد تعقیب جدی ایشان بود. احمدی نژاد بخش هایی از این دغدغه را که در جریان عمل مورد غفلت برخی سیاستمداران و مسئولان دولتی واقع شده بود در کوران عمل سیاسی به منصف ظهور رساند.